



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبات - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی
شماره تلفن: ۸۸۹۴ - ۸۸۹۵ - ۸۸۹۶ - ۵۴۴۸

سال سوم - شماره ۷۵۳

صفحه ۲۰۲۹

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۴۹۸

مدیر سید محمد هاشمی

شنبه ۲۸ شهریور ماه ۱۳۲۶

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱- بقیه صورت مشروح مذاکرات شانزدهمین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۱۴
- ۲- آگهی های رسمی ۱۵

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۶

مجلس ساعت پاره و بیست دقیقه صبح روز دو شنبه بیست و سوم شهریور ماه بریاست آقای ایلخان (نائب رئیس تشکیل گردید
فهرست مذاکرات:

- ۱- بقیه مذاکره در اعتبارنامه آقای ارسنجانی.
- ۲- تعطیل مجلس بعنوان تنفس.

نایب رئیس - چون جلسه قبل بعنوان تنفس ختم شد لذا آقای ارسنجانی بقیه مدافعات خودشان را بفرمایند. آقای ارسنجانی.

ارسنجانی - متأسفانه در جلساتی که بنده از اعتبارنامه خود دفاع میکنم وقتیکه شروع بصحبت میکنم يك مدت مختصری که دفاع میکنم جلسه ختم میشود و بعضی از قسمتهای مطالب گفته شده یاد آقایان میرود و مجبور میشوم که يك قسمت از مطالب را در جلسات بعد تکرار کنم. در جلسه قبل در ضمن مدافعات از اعتبارنامه خود بیک قسمت از مطالبی که آقای ناصر ذوالفقاری فرموده بودند و آن مسئله تلون سیاسی بنده بود راجع به پیشنهاد اعلان جنگ بدول محور و مقالاتی که علیه متفقین بوده به زهم آقای ذوالفقاری آنها را هم توضیح دادم و حتی مقالاتی هم اینجا خواندم. در این جلسه به مسئله ای که ایشان بهش اشاره کردند و حائز اهمیت است و آن موضوع نفت است من اشاره میکنم. توجه بفرمائید. موقعی که روزنامه داریا منتشر می شد

مصادف شد باتشکیل کنفرانس نفتی واشنگتن که از نماینده های انگلیس و امریکا در واشنگتن تشکیل شد و اخبارش بوسیله خبرگزاری رویتر و سایر خبر گزاریهادر دنیا پخش میشد موضوعش هم این بود که دول انگلیس و امریکا دور هم نشسته بودند و میخواستند منابع نفتی دنیا را بین خودشان تقسیم کنند. وقتی این خبر منتشر شد روی اطلاعاتی که من از جریان مذاکرات دولت داشتم بانمایندگی های کمپانی های امریکائی و پیش بینی که میکردم از اوضاع سیاسی آینده مملکت. يك مقاله منتشر کردم که در آنموقع اسباب تعجب همه شده بود مثل موضوع آن مقاله اعلان جنگ بنده پیش بینی کرده بودم که الان دنیا در حال جنگ است و مادر جوار یکدولتی قرار داریم که آن دولت هم صاحب نفت است و دهاوی نسبت بما داشته دهاویش این بود در وقتی که پیمان ژانویه ۱۹۴۲ پیمان اتحاد بین ایران و شوروی وانگلیس بسته شد در پروتکل های ضمیمه قرار داد يك نامه ای سفیر شوروی مینویسد برای

آقای سهیلی که وزیر امور خارجه وقت بود در آنجا تضرع میده که نفت خوریان و مضافاتش را حتماً سابقاً به خشتاریا نامی داده شده بود (و آن جریان مفصلی دارد که آقایان می دانند) تقاضا کرده بود که بیاید وارد مذاکره شویم آقای سهیلی که آن موقع وزیر امور خارجه بود در يك نامه ای که بسفیر کبیر آن موقع شوروی مینویسد که در پروتکل های آن عهدنامه موجود است می نویسد که مناسبت با امتیاز خشتاریا هیچگونه رسمیتی قائل نیستیم ولی حاضر بمذاکره هستیم برای این موضوع اینها اسنادش این جا است در پروتکلها و مواد دیگر قرار داد. بعد از زمان آقای سهیلی گویا سه کمپانی از کمپانی های امریکائی نماینده بایران میفرستند وقتی که آقای سهیلی رئیس الوزراء بودند وارد مذاکره می شوند برای تحصیل امتیاز استخراج نفت، این قضیه در زمان آقای سهیلی جریان پیدا میکند حتی ایشان برای اینکه بتوانند مذاکره کنند دونهز مستشار استخدام میکنند از امریکا منتهی آنوقت دیگر آقای سهیلی نخست وزیر نبودند و آقای ساعد نخست وزیر شده بودند در آن موقع مذاکراتی را که آقای سهیلی شروع کرده بود ایشان دوام داده بودند و دو نفر مستشار نفت امریکائی هم آن موقع به طهران رسیده بودند. مصادف با این جریانات کنفرانس نفتی واشنگتن هم... اولاً بنده اینجا من باب يك جمله مهترانه عرض کنم اطلاعات بسیار زیادی من راجع به نفت دارم و تمام کتابهایی که تا حالا نوشته شده

• بقیه مذاکرات مشروح شانزدهمین جلسه از دوره پانزدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اما راجع بروزنامه اگر اجازه بفرمائید (همه نمایندگان) اجازه بفرمائید چون یک‌سده از آقایان را دیدم وقتی که آقای ارسنجانی مقاله راجع به آذربایجان را میخواندند با کمال تأثر از اینجا تشریف بردند بیرون این است که من خیلی مایل بودم این قسمتهای روزنامه را که آقا نوشته‌اند بخوانم (بعضی از نمایندگان - لازم نیست) لازم است چون ایشان هر چه که به نفع خودشان بود خواندند.

نایب رئیس - آقای آشتیانی زاده. - در جلسه گذشته آقای شریعت زاده نسبت باین ماده ۱۰۹ یک شرح مبسوطی فرمودند که مورد تصدیق مجلس و آقای رئیس واقع شد برای اینکه ماده ۱۰۹ اگر بنا باشد یکساعت در اطرافش بحث بشود. آقای ذوالفقاری باز تمام اظهاراتشان را تکرار کردند و ممکن است باز آقای ارسنجانی بروند پشت تریبون و جواب آنها را دوباره بدهند، این وضع نمیشود.

نایب رئیس - آقای شریعت زاده. - عرض کنم بنده اخطار روز قبل را تجدید میکنم با اضافه یک چیزی. اخطار جلسه قبل بنده راجع باین بود که نباید در مجلس از ماده ۱۰۹ سوء استفاده کرد و مطالبی که مشمول آن ماده نیست گفت. این یکی، اخطار دوم اخطار اصولی است و آن این است که الان اینجا مانند یک محکمه قضائی است باید آخرین دفاع از آن کسی که بر علیه او اعتراض شده است و اینهمه صحبت شده است بشود و نیابستی اخطار نظامنامه کلیه استدلالات قبلی را بر علیه ارسنجانی تکرار کرد (صحیح است) بنا بر این من اجازه میخواهم که برای آخرین دفاع از این جوان توضیحاتی بدهم.

نایب رئیس - اگر آقایان اجازه میدهند نظر به پیشنهادی که آقای شریعت زاده کرده‌اند آخرین دفاع از آقای ارسنجانی در چند کلمه شنیده شود.

دکتر اعتبار - پیشنهاد ختم جلسه را بخوانید که بر همه چیز مقدم است.

نایب رئیس - پیشنهادی هم برای ختم جلسه رسیده است که قرائت میشود: پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود (دهقان)

امینی - مخالفم.
نایب رئیس - آقای امینی مخالفید، بفرمائید.

امینی - بطور قطع و مسلم پس از دفاعی که آقای ارسنجانی کرده‌است مجلس حضرات برای قضاوت با اینکه فردا هم برنامه دولت مطرح میشود و چندین روز درس صحبت میشود بنده استدعا میکنم قضیه را امروز تمام کنید. (صحیح است).

نایب رئیس - استرداد گردید آقا؟
دهقان - بله بنده قبل از صحبت آقای امینی استرداد کردم.

نایب رئیس - آقای نورالدین امامی فرمایشی دارید بفرمائید؟

امینی - دو مخالف که نمیشود آقا صحبت کنند.
امامی - چه شد که وقتی ۱۰۹ را آقایان صحبت میکنند کسی حرف نمیزند (دکتر امینی - دو بعد از ظهر است) سه ربع بعد از ظهر تشریف آوردید (قبادیان - یک جلسه فوق‌العاده امروز تشکیل

بدهید که این موضوع خاتمه پیدا کند) آقای فرامرز فرمودند اسلحه اقلیت زبانش است (رضوی - اسلحه اکثریت هم زبانش است) ما حق داریم از ماده ۱۰۹ استفاده کنیم اجازه بفرمائید استفاده کنیم و زباده هم حرف نمیزنیم اما بشرط اینکه هو و جنجال نکنید هومم میخواهد بکنید من از میدان در نمیروم خدا رحمت کند مرحوم رضاشاه یک تشکیلاتی قبل از شهریور ۲۰ در این مملکت داده بود تشکیلات زیادی که اکثرش بفتح مملکت بود یکیش هم فرهنگستان بود مقصود از این فرهنگستان این بود که لغات قدیمه عربی را بردارند از زبان فارسی و لغات فارسی بگذارند ...

نایب رئیس - راجع بماده ۱۰۹ بفرمائید.

امامی - آقا این همه اش ۱۰۹ است این مقدمه است نتیجه اش ۱۰۹ است. شهریور ۲۰ تمام را واژگون کرد فرهنگستان که رفت. بعضی ها خودشان یک فرهنگستان درست کردند از این فرهنگستان مقصود این نبود که عربیها را بردارند و فارسی بگذارند مقصود از این فرهنگستان این بود که بنشینند برای خودشان لغت درست کنند بنده را هم مثلاً کردند مرتجع. من کی هستم؟ این بنائمی که آقایان زیرش نشسته‌اند پدر من خریده متمم قانون اساسی پدر من نوشته، قانون مجازات را پدر من نوشته حالا میگویند بنده مرتجع. بزرگ ترین افتخاری که نصیب یکی از فامیلهای ایران شده این است که یک پدر سه پسر پشت سر هم اینجا خدمتگزار ملت است، ۴۳ سال پرچمدار آزادی و مشروطیت بودیم (بعضی از نمایندگان - راجع به ماده ۱۰۹ بفرمائید) اجازه بفرمائید عرضم را تمام کنم باز هم از ۱۰۹ اشاره خواهم کرد. آن وقت میگویند که ارتجاع میخواهد از آزادی انتقام بگیرد ما قائلیم باین حرف و آقای ملک استاد ما است فرمایشاتشان برای ما مطاع است ولی این ارتجاع و آزادی در همان فرهنگستان درست شده آن فرهنگستان منی که در هفت آسمان یک ستاره ندارم مرتجعم ولی آنهایی که دیروز یکشاهی نداشته و امروز میلیارد هستند آزادیخواه هستند؟ آقای ارسنجانی فرمودند برای مجاکمه بزرگ حاضر شده‌اند ما قائلیم خود آقا هم شاهدند بر خلاف آن بیاناتشان که آنروز فرمودند کوچکترین نظری بشرافتم بوجدانم بشما ندارم. نویسنده خوبی گوینده خوبی هستی ماشاءالله ولی من عقیده ام این است که اینجا جای این حرفها نیست نویسندگی خوب است در روزنامه دارا گویند کی انشاءالله در خارج (کلبادی - وطن پرستی در اینجا) بعضی جمله‌ها فرمودند، فرمودند ناطق‌ها دو دسته‌اند یکی آزادیخواه یکی مرتجع من حرفی ندارم قضاوت این بامجلس شورای ملی است همان محاکمه تاریخی امروز است باید ملت قضاوت بکند حق را از غرض تشخیص بدهد رای اکثریت قاطع است والا آنوقت اگر شما با اکثریت وکیل شدید اولین وکیل که بشما تبریک میگوید من هستم همین آقای مشایخی که من با ایشان مخالف بودم وقتی اعتبار نامه‌شان قبول شد اولین یادداشت را خودم فرستادم آنوقت دیگر ملت و اکثریت او را وکیل شناخته‌اند ما حرفی نداریم ما مطاع حرف اکثریت هستیم (بعضی از نمایندگان -

مطیع) به بخشید مطیع. راجع بیدر آقای دکتر مجتهدی یک حرفی زدند که حق این است من از ایشان دفاع کنم چند روز پیش آقای علی هیئت در منزل آقای حکمت تصادفاً راجع بتاریخ اول مشروطیت ایران که صحبت میکردند انتخابات دوره اول طبقاتی بود، فرمودند اولین جلسه ای که در آذربایجان برای انتخاب وکلا تشکیل شد در منزل مرحوم مجتهد بود یعنی همان حاجی میرزا حسن آقا اول قرار بود دو نفر انتخاب کنند یکی مرحوم حاجی میرزا حسن آقا یکی مرحوم نقیه الاسلام شهید ایشان فرموده بودند که سن من اجازه نمیدهد و من یک شخص دیگری را پیدا میکنم و پدر من رادر خوی ایشان معرفی کرده بودند حالا بمن میگویند مرتجع دیگر بیش از این عرضی نمیکنم ولی بی‌انصافی کردند ۰۰۰۰ نسبت بیک مردی که ۱۵ سال در فرهنگ خدمتگزار بوده حالا هم یکسال است مرده و هفتاد سال خدمت کرده پس از هفتاد سال ۴۲ هزار تومان مقروض است و آنهم سر لشگر ریاضی است، ما هر چه داریم از این ارتش است امنیت ایران از ارتش است (صحیح است) ایستادن بنده اینجا در سایه ارتش است (آشتیانی زاده - بارتش کسی توهین نکرد) تأمل کن قربان ما هم حرف نزدیم آقای آشتیانی زاده شما هم بعد از من بلند شوید اینجا حرف بزنید، استقلال ایران بسته بارتش است یک افسر اگر خائن بود محکمه اورا محاکمه میکند یک کسی که وزیر بود یک کسی که ۷۰ سال زندگی کرد حق نبود نسبت باو توهین شود خدا رحمتش کند، بیش از این دیگر عرضی نمیکنم فرمودند ملاقاتی که آنشخص که فعلاً در مجلس است بامن کرد و گفت اگر تو وکیل بشوی اعتبار نامه‌ات را رد میکنند (ارسنجانی - من نگفتم رد میکنند گفتم اعتراض میکنند) خدا پدرت را بیا مرزد چرا اسمش را نگفتید، چرا نفرمودید کی بود آن وکیل (ارسنجانی - عرض میکنم) بفرمائید، استدعا میکنم بفرمائید ما استفاد کنیم مقاله مرد امروز را قرائت کردید بنده هم آن مقاله را خوانده بودم اما آن مقاله در سال ۲۲ نوشته شده بود چه مربوط بسال ۲۵ بود و این روزنامه‌های دارا که از هر کدام چند سطر میخواندید (ارسنجانی - چند سطر نخواندم همه‌اش را میخوانم) اگر اجازه بدهید بنده هم میخوانم.

نایب رئیس - آقای امامی این مربوط به ۱۰۹ نیست.

نورالدین امامی - تمام مربوط به ۱۰۹ است همه‌اش ۱۰۹ است تمامش ۱۰۹ است ۱۰۹ دنباله‌اش دو قسمت است، بمن توهین کردند، بنده باید مرا بضم را اینجا بکنم قضاوتش با نمایندگان ملت است (در اینموقع جلسه از اکثریت افتاد) (بعضی از نمایندگان - اکثریت نیست).

نایب رئیس - جلسه بعنوان تنفس ختم میشود. جلسه آینده روز سه‌شنبه فردا ساعت هشت و نیم. (مجلس دوساعت و یکربع بعد از ظهر بعنوان تنفس تعطیل شد).